



سخنرانی اریک والبرگ در روز قدس

انقلاب ایران تنها روزنه امید

■ Eric Walberg
اریک والبرگ



اریک والبرگ، تحلیلگر مسلمان کانادایی در حوزه مسائل ژئوپلیتیک است. وی که فارغ التحصیل دانشگاه‌های کمبریج و تورنتو است، مؤلف ۴ اثر از جمله «از پست مدرنیسم تا پست سکولاریسم»، «روابط اسرائیل و کانادا» و «امپریالیسم پست مدرن، ژئوپلیتیک و بازهای بزرگ» است.

■ انقلاب ایران نزدیک‌ترین به حقیقت

من سال‌ها در مورد انقلاب روسیه تحقیق کردم. انقلاب روسیه یک انقلاب سکولار بود که می‌خواستند به روشی غیر دینی بهشت را روی زمین بریا کنند، در حالی که اسلام دنبال چنین چیزی نیست و این خیلی متفاوت است.

انقلاب فرانسه نیز به همین شکل؛ ایده‌آل‌هایی داشت، اما به دلیل سکولار و ضد بُعد دینی زندگی بشر بودن از هم فروپاشید. در قضیه انقلاب الجزایر، جنبش جامعه برای صلح که متعلق به اخوان المسلمین بود هم درگیر اتفاقات بود و آنجا هم فقط یک انقلاب ملی نبود، بلکه بهره اسلامی نیز داشت بود و موفق شدند فرانسوی‌ها را از کشور بیرون کنند. اما در خصوص انقلاب‌های آمریکا و فرانسه که انقلاب‌های بورژوازی و سرمایه‌داری بودند، می‌بینید که امروز آمریکا را به کجا کشانده است. ماهیت آمریکا فاسد و امپراطوری است؛ زمانی که سرمایه‌داری خدای یک انقلاب بشود نتیجه‌های بهتر از این نخواهد داشت.

انقلاب فرانسه به بدی انقلاب آمریکا نبود. انقلاب آمریکا به وضوح یک انقلاب بورژوازی بود و جالب است که همین آمریکا بزرگترین دشمن ایران است و باید هم این‌گونه باشد. به این دلیل آمریکا از ایران هراس دارد، چرا که ایران نشان می‌دهد که راه حل نه داشتن سیطره سرمایه‌داری، بلکه جهت‌گیری معنوی است. حتی اگر برخی بخش‌ها در ایران نیز بر اساس سیستم سرمایه‌داری باشد ولی تا حدودی نظارت اخلاقی روی آن وجود دارد.

زمانی که کندی تلاش کرد با روس‌ها دوست شود و رقابت اسلحه‌سازی و جنگ را پایان بدهد ترور شد! چرا که بخش نظامی و دولت پنهان در آمریکا بسیار قدرتمند است.

ما در قیاس انقلاب‌ها با یکدیگر می‌بینیم که انقلاب ایران نزدیک‌ترین انقلاب به حقیقت است. کم‌کم به مبارزه ادامه می‌دهد و این در حالی است که آمریکا مقابل آن ایستاده و فشار بسیار بالا است. ادامه دادن مسیر انقلاب از پیروزی آن بسیار دشوارتر است.

من زمان بسیار کوتاهی در ایران بودم و امیدوارم دوباره برگردم و بیشتر ایران را ببینم و تجربه کنم ولی چیزی که مهم بود وجود جهت‌گیری معنوی در جامعه ایرانی است. من احترام زیادی برای آیت‌الله خامنه‌ای قائل هستم و بر این باورم که خیلی خوش شانس هستم که چنین رهبر با تحمل و عاقلی دارم. در خصوص انقلاب اخیر مصر، فردی را که با انتخابات روی کار آمد زندانی کردند و برای رهبران

مسلمان می‌خواستند حکم اعدام را اجرا کنند. وضعیت مصر خیلی غم‌انگیز شد. یکی از تفاوت‌ها بین انقلاب اسلامی ایران و انقلاب مصر نقش ارتش بود.

■ ایران مهم‌ترین کشور ضد امپریالیستی جهان

معتقدم که بعد از جنگ عراق و ایران که در آن هم شما در سمت حق بودید و پیروز شدید، تا به امروز ایران به عنوان یکی از کشورهای پیشرو و صورت در مبارزات ضد امپریالیستی دنیا نقش مهمی بازی کرده است. این خیلی مهم است! چرا که امپریالیسم از محرک‌های مختلفی برای ایجاد بحران استفاده کرد تا ایران را نابود کند. برای مثال از ۱۱ سپتامبر به عنوان بهانه‌ای برای حمله به افغانستان استفاده کردند یا حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ و مطمئناً می‌توانستند بهانه‌های دیگری برای حمله به ایران پیدا کنند. ایران در این مسیر به دلیل داشتن رهبری مانند آیت‌الله خامنه‌ای که عالم به مسائل است و در برابر شیطان صبورانه مبارزه می‌کند اهمیت بالایی دارد. او ضد امپریالیسم است و با شیطان در جنگ است، نتیجه اینکه چیزی که نومحافظه کاران از آن هراس دارند شکل گرفته است. جبهه مقاومت گسترش پیدا کرده و نهضت‌های اسلامی در حال قیام هستند.

آنچه در سراسر خاورمیانه نظاره می‌کنیم، نه فرقه‌گرایی بلکه مانند سوریه که با دیگر رهبران ضد امپریالیستی همسایه‌اش متحد شد، حرکتی ضد امپریالیستی است. کل داستان برای سرنگونی بشار اسد و مسلط شدن بر حکومت او توسط غرب جدا از اینکه او خوب است یا نه، این بود که مانع شکل‌گیری این جبهه بشوند. این عصر نوین ضد امپریالیسم است و آنها از این مسأله می‌ترسند. دشواری برای آمریکا همین است که ایران مهم‌ترین کشور ضد امپریالیسم است، حتی بیشتر از روس‌ها چرا که شما هیچ وابستگی به امپریالیسم ندارید.

■ وهابیت دشمن انقلاب اسلامی

بزرگترین دشمن ایران در جهان اسلام وهابیت سعودی است که هیچ کسی آنها را دوست ندارد، اما در رسانه‌های دروغگوی ما و در میان رهبران ما، سعودی‌ها به رسمیت شناخته می‌شوند! چرا که می‌خواهند سلاح بفروشند و با استفاده از آنها خاورمیانه را به هر نحوی تحت کنترل داشته باشند. آنها ستمی برای دنیای اسلام هستند. زمانی که در مصر بودم و مسلمان شدم، مبلغین سعودی در اسکندریه اولین قرآن را به من دادند، اما همین روش تبلیغی پروپاگاندایی علیه خود آنهاست؛ چرا که من قرآن را خواندم و دیدم که سعودی‌ها ربطی به مفاهیم قرآن ندارند.

■ تنها روزنه امید

در سال ۱۹۷۹ که انقلاب اسلامی ایران پیروز شد، اتفاقات مهم

دیگری در جهان رخ داد. در ماه مه مارگارت تاچر در انگلستان به قدرت رسید و تخریب و به پایین کشیدن سوسیالیسم را شروع کرد و نئولیبرالیسم را که امروز هیولایی بدترکیب است به وجود آورد که شهروندان انگلیسی ۴۰ سال از آن رنج بردند. در ماه مارس پیمان صلح اسرائیل و مصر اجرایی شد که منجر به خارج شدن مصر از معادلات سیاسی جهان شد. در نوامبر تصرف مسجد الحرام اتفاق افتاد و شاید بشود گفت که به نوعی واکنش به انقلاب اسلامی ایران بود! نزدیک به ۳۰۰ نفر کشته و ۷۰ نفر اعدام شدند. به مرور وهابیت به یک حرکت نظامی تبدیل شد که بن لادن و داعش از آن نشأت گرفتند. سپس نیروهای شوروی به دعوت حکومت کمونیستی مستقر در کابل وارد افغانستان شدند. این اتفاقات منجر به این شد که دنیای امروز هیولایی ترسناک باشد و تنها روزنه امید در میان اتفاقات ۱۹۷۹ قطعاً انقلاب اسلامی ایران بود و هست که توانست تا به امروز بماند و وارد دهه پنجم شود و قطعاً باید این مهم را گرامی داشت.

■ اهمیت معنویت در یک انقلاب

در یک انقلاب یک رهبریت معنوی وجود داشته است؛ نیرویی که مردم را هدایت می‌کند. در انقلاب آمریکا هیچ اثری از معنویت نمی‌بینیم. اگر هدایت روحانی نباشد انقلاب از بین می‌رود. انقلاب روسیه هم به دلیل نداشتن معنویت به فروپاشی منجر شد، اما ما به عنوان مسلمان نمی‌توانیم دست روی دست بگذاریم و منتظر حضرت مهدی بمانیم. اگر خداوند را یاری کنید او شما را یاری خواهد کرد؛ این را قرآن می‌گوید. پس اگر مسلمانان خوبی باشیم و از لحاظ معنوی در سطح مناسبی باشیم، می‌توان زندگی و جامعه موفق‌تری داشت. هر جایی که باشید، چه در ایران چه سوریه و چه فرانسه به عنوان یک مسلمان باید در جریان سیاسی کشور خود سهیم باشیم و این ایران بود که از مهم‌ترین مبارزه مسلمانان تمامی جهان که فلسطین است همواره دفاع کرده است. به عقیده من در امور بسیاری ایران یک نمونه و الگو است. همچنین برای اینکه یک شهروند چگونه در مسیر صحیح قرار بگیرد و جامعه را در چنین مسیری همراهی کند، ایران مدل بسیار خوبی است.

ایران پس از انقلاب در عین با ثبات بودن، تغییرات متفاوتی داشته است. در یک جامعه سالم دائماً در حال تغییر و تحول، پیشرفت‌ها ایجاد می‌شوند و همیشه باید دید مسیر جامعه کدام است و به کدام سمت باید رفت. آیا باید زمان را نگه داشت و به عقب برگشت یا به سمت جلو حرکت کرد؟ ثبات و تحول در جامعه مانند تخم مرغ و مرغ است که به هر دو نیاز است. برای ثبات داشتن نیازی به راکد ماندن نیست؛ باید به مکانیزمی رسید که در حین حفظ ثبات حرکت هم به جلو باشد.